

Aaloo-Maaloo-Kaaloo

Author: Vinita Krishna

Illustrator: Suvidha Mistry

Translator: mosayeb shirani

آلو مالو کالو

نویسنده: وینیتا کریشنا تصویرگر: سویدا مسترژی

مترجم: مصیب شیرانی

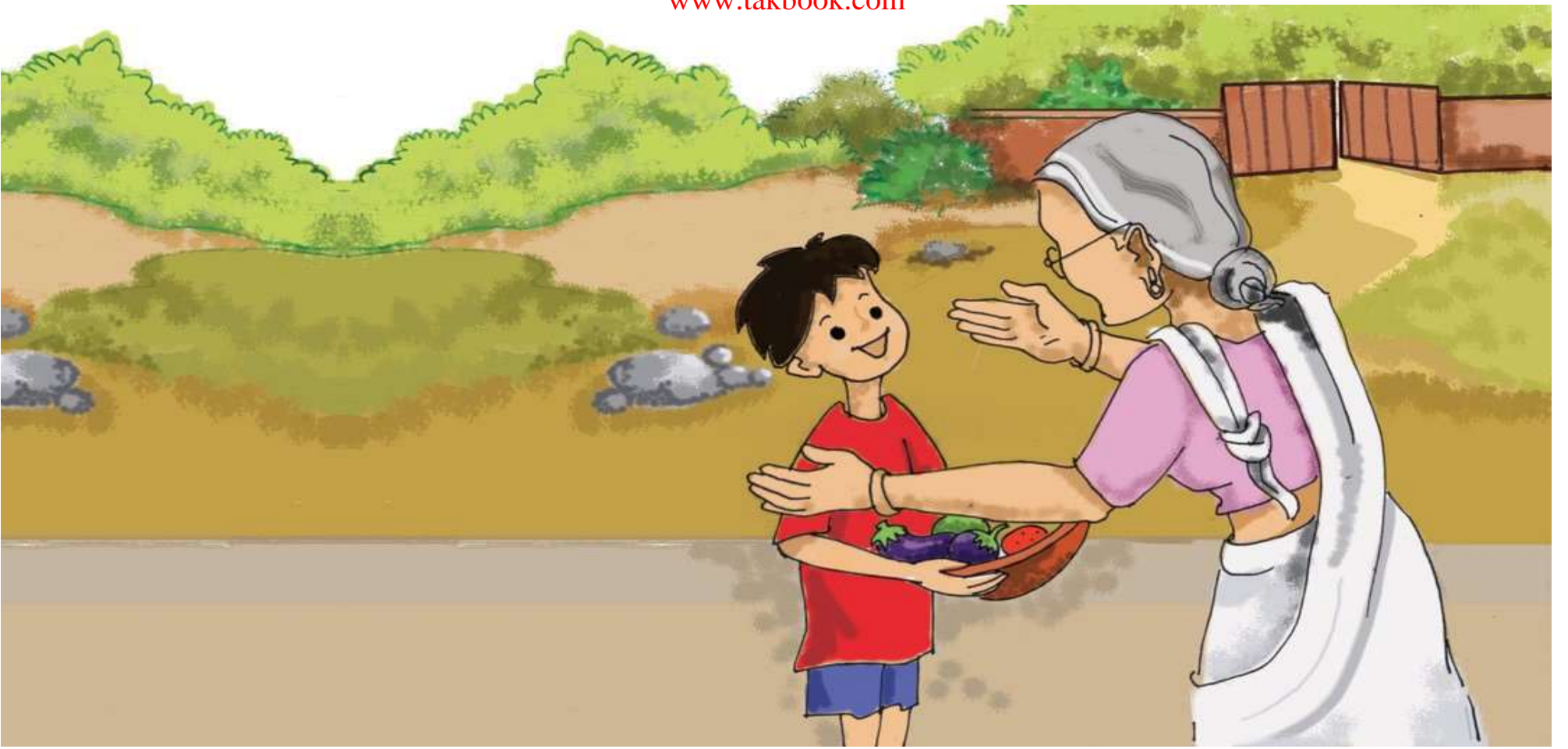
Level 1





For the very first time, Maaloo is collecting vegetables from the garden. He has collected red tomatoes, fresh brinjals and green lady's fingers.

برای اولین بار ، مالو در حال جمع آوری سبزیجات از باغ است. او گوجه فرنگی های قرمز ، بادنجان و بامیه را جمع آوری کرده است.



Dadi says, "Well done, Maaloo! Go and get some potatoes too."

مادر بزرگ می گوید: "خوب، مالو! برو و چند سیب زمینی هم بچین".



Maaloo looked at all the trees, creepers and plants. Not a single potato could he see

مالو به همه درختان ، بوته های و گیاهان نگاه کرد. حتی یک سیب زمینی هم نتوانست ببیند!!!!



"Dadi, the potatoes aren't ready yet," said Maaloo, putting the empty basket down. "No Maaloo, there are plenty of potatoes. Look carefully," said Dadi.

"مادر بزرگ ، سیب زمینی هنوز آماده نیست" مالو این را گفت سبد خالی را روی زمین گذاشت.

"نه مالو ، سیب زمینی زیادی وجود دارد. با دقت نگاه کن" .



Maaloo went into the garden once more. Kaaloo followed him.

ماله يك بار ديگر وارد باغ شد. كالو دنبال او رفت.



Maaloo was looking for potatoes when he heard, “Woof! Woof!” “Kaaloo! Stop, Kaaloo!” yelled Maaloo, running behind him. “Don’t spoil the garden.”

مالو وقتی شنید رفت تا به دنبال سیب زمینی بگردد. کالو واو ، واو کنان دوید و شروع به کندن زمین کرد ! مالو گفت نکن باغچه را خراب می کنی



Maaloo saw that Kaaloo was digging away and what do you think was coming out of the mud? Big fat potatoes! “Well done, Kaaloo. You found the potatoes!” laughed Maaloo, filling his basket with potatoes.

مالو دید که کالو در حال کندن زمین است و و یک سیب زمینی بزرگ گلی بیرون آمد. مالو خندید و گفت خوب کالو سیب زمین پیدا کردی؟! مالو

سبد را با سیب زمینی پر کرد